



خرقبرسی

برداشتی نواز کتاب

«منطق الحمار»

به کوشش

دکتر محمد ضیاء احمدی

ویراستارها :

محمد فواد جعفر زاده

ندازمانی

تایپ و ادیت :

سعیده غفوری

نقاش :

مهدی زمانی

پدیدآورنده	: ضیا احمدی، محمد -
عنوان	: خرقیرسی
تکرار نام پدیدآور	: محمد ضیا احمدی
مشخصات نشر	: قم: ابتکار دانش، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ س: مصور.
شابک	: ISBN 978-600-111-339-0
وضعیت فهرست نویسی	: ضیا
موضوع	: داستان های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: داستان های اجتماعی - قرن ۱۴
موضوع	: خر ها - داستان
رده کنگره	: ۴.۱۳۹۲ خ ۲۱۵۸ ی / PIR۸۱۴۲
رده دیویی	: ۸۵۳ / ۶۲



ناشر برگزیده سومین دوره جشنواره گام اول (ادبیات) و شایسته تقدیر دهمین و شانزدهمین (۱۳۹۰) دوره کتاب فصل، و کتاب منتخب جشنواره رشد

■ خرقیرسی (برداشتی نو از کتاب منطق الحمار)

● دکتر محمد ضیا، احمدی

☐ ناشر: ابتکار دانش

☐ ناظر چاپ: مسعود حبیب الهی

☐ نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

☐ شمارگان: ۵۰۰ جلد

☐ قیمت: ۷۰۰۰ تومان

☐ شابک: ۰-۳۳۹-۱۱۱-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش:

همراه: ۷۴۹۴-۰۹۱۲۷۵۰ تلفن: ۷۷۴۶۵۶۷-۰۲۵۱

قسم: صفایه، کوچه ۲۸، چله زاده، پلاک ۶۹

کلیه ی حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نظر ناشر

کتابی که اکنون در دسترس شما قرار می گیرد چنان با مهارت نوشته شده که تصور ترجمه بودن آن بسیار مشکل است.

ثری بسیار ساده ، با نامهای ایرانی و شهرها و روستاهای ایران، فرانسوی بودن آن رانمایان نمی سازد . باز نویسی کتاب «منطق الحمار» به خوبی نشان می دهد ، نثر زمان ناصرالدین شاه قاجار ، تا چه اندازه پرتکلف با لغاتی دوریاب و دور از ذهن با انشایی پیچیده بوده که واقعاً انسان را دچار تهوع می کند.

زحمت آقای دکتر ضیا احمدی در ساده نویسی با انشایی کاملاً امروزی ، همراه با اشعاری از برگزیدگان ادب ایران ستودنی است. این کتاب نه تنها برای جوانان بلکه برای همه مردم شامل نکات آموزنده از اخلاق و منطق می باشد، البته مترجم سعی کرده تا حد ممکن هیئت حاکمه قاجاری را با نوازشی طنز آلود به سُخره بگیرد .

مسعود حبیب الهی

تشکر و امتنان

مصدق ترجمه حدیث نبوی «کسانی که از مخلوق تشکر نمی‌کنند، شاکر خداوند نیز نیستند»، لذا لازم است از کلیه کسانی که در امر تهیه و نشر و پخش این کتاب، اینجانب را یاری نمودند به خصوص جناب آقای مسعود حبیب‌اللهی ناشر محترم تشکر نمایم.

دکتر محمد ضیاء احمدی

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار.....
۱۱.....	شروع داستان.....
۱۵.....	عهد کودکی.....
۱۶.....	بخش اول - جمعه عذاب آور.....
۲۲.....	بخش دوم - اصفهان.....
۲۹.....	فرار و فریب.....
۳۱.....	بخش سوم - پیرزن با انصاف.....
۳۷.....	بخش چهارم - انتقام.....
۴۶.....	بخش پنجم - شهر نشینی.....
۵۹.....	شرح حال همسر.....
۶۳.....	بخش ششم - بی ادبی یا انسانیت.....
۷۲.....	بخش هفتم - آتش سوزی.....
۸۳.....	بخش هشتم - بهترین نعمت.....
۹۹.....	بخش نهم - خر حرف گوش کن.....
۱۰۴.....	بخش دهم - مسابقه روز سیزده به در.....
۱۱۱.....	بخش یازدهم - قنبر.....
۱۱۹.....	بخش دوازدهم - شکار.....
۱۲۵.....	بخش سیزدهم - لیان سگ بیچاره.....
۱۳۰.....	بخش چهاردهم - کولی ها.....

- ۱۳۳..... اصل و نصب کولی ها.....
- ۱۳۶..... بخش پانزدهم - انتقام از موش
- ۱۴۳..... بخش شانزدهم - خر شرور
- ۱۵۰..... بخش هفدهم - دستگیری دزدان
- ۱۵۶..... بخش هیجدهم - عزم راسخ یا لجاجت

بسم الله الرحمن الرحيم پیشگفتار

زبان فارسی به شدت و با سرعت در حال تغییر می‌باشد. قبل از ایجاد طبقه متوسط، سواد کتابت و سخنوری خاص طبقه روحانی و عده‌ای از درباریان صاحب ذوق و منشیان و مستوفیان بوده، به‌همین ملاحظه اکثراً سعی می‌شده از زبانی فاخر استفاده کنند که فصاحت و بلاغت خود را به نمایش بگذارند به جای این که مطلب خود را برای عامه مردم بیان نماید.

مرحوم محمدعلی جمال زاده، اولین کسی بود که در باب نوشتن به زبان مردم، قدم برداشت و در کتاب «یکی بود یکی نبود»، داستان شیرین «فارسی شکر است» را به رشته تحریر درآورده است.

در شروع این داستان می‌خوانیم: «موقعی که از کرجی پیاده شدم و کرجی‌بان‌ها رهایم کردند گرفتار حمال‌های ساحل بندر انزلی شدم و چون کلاه سیلندر به سر داشتم به تصور این که خارجی‌ام صاحب صاحب گویان و بالام جان بالام جان گویان به سراغم آمدند.»

امروز جوانان ما نه کلاه سیلندر می‌دانند چیست و نه کرجی و کرجی‌بان نمی‌دانند بالام‌جان، بالام‌جان چه معنایی دارد و چرا می‌گفتند صاحب صاحب! من خدمت زنده یاد دکتر باستانی پاریزی پس از انتشار کتاب ایشان «گذر زن از گذار تاریخ» رسیدم و عرض کردم: اندکی سبک‌تر بنویسید که جوانان هم دریابند. به ایشان گفتم از چندین لیسانسیه پرسیدم می‌دانید معنی گذار چیست؟ همه جواب منفی دادند. یکی از همشهری‌ها که سال‌ها ریاست اداره فرهنگ کرمان را بر عهده داشت در جواب گفت: گذار واژه کرمانی است و مسلم است که دیگران نمی‌دانند چیست.

آیا واقعاً امروز با این اتوبان‌ها و جاده‌های آسفالت‌ه، گذار وجود دارد که جوانان بدانند گذار چه معنایی دارد؟ جناب دکتر در پاسخ من فرمودند: «ینجانب استاد تاریخ هستم و به زبان آکادمیک سخن می‌گویم». البته حق با ایشان است و درست هم گفته‌اند ولی جوانان هم بی تقصیر هستند.

این شد دلیل آسان نویسی کتاب «خرقبرسی»، ولی باید همین جا عرض کنم که این جانب نه ادعای نویسندگی دارم و نه چندان از ادبیات سر در می‌آورم و آنچه نوشته‌ام بر اساس ذوق و بضاعت خودم بوده است. باید اذعان کنم کار آسان‌نویسی، در ابتدا سهل می‌نمود ولی بعد برایم دشوار شد. کلام حافظ حرف آخر است: «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها».

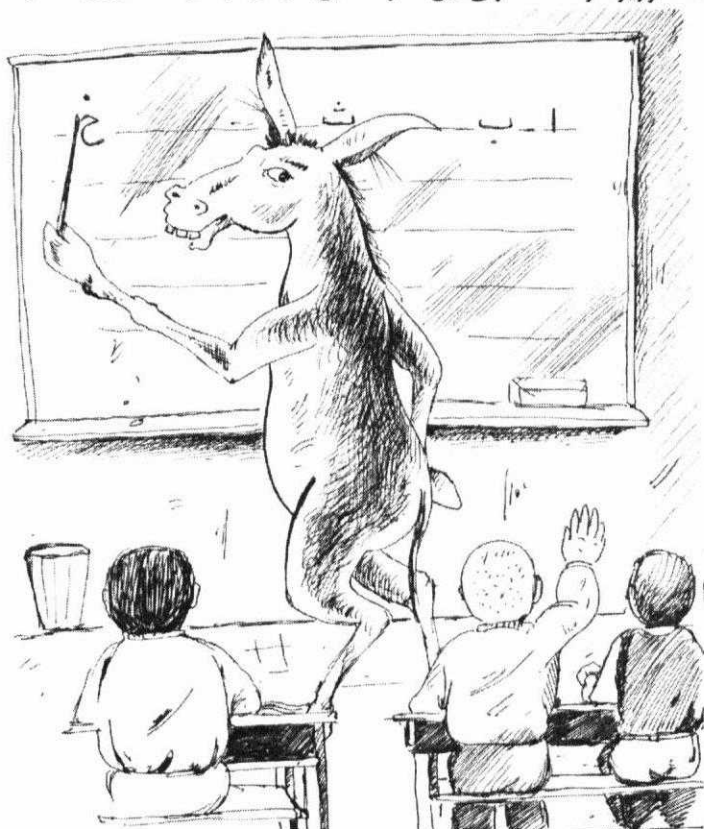
علاوه بر این، نسخه جدید از کتاب «منطق الحمار»، به سالهای حدود ۱۳۳۰ هجری شمسی تغییر داده شده و از آن زمان حدود ۶۰ سال می‌گذرد و بسیاری از اشخاصی که در آن زمان بسیار محبوب بوده‌اند، اینک ماهیت‌شان بر ملا شده است و دیگر حنای‌شان رنگی ندارد.

بعد از چاپهای اولیه کتاب خر قبرسی، عده ای از دوستان مرحوم دکتر مصدق تلفنی به من گفتند که نسبت به ایشان کم لطفی شده است، من خاطر آقایان را به کتاب «فرزند خصال خویشتن» نوشته اصغر پارسا که از هواداران سرسخت دکتر مصدق بودند جلب می‌کنم که می‌نویسد: « برای سفر به لاهه برای دفاع از حقوق ایران حتی یک دلار در صندوق دولت وجود نداشت و تیمسار زاهدی که وزیر کشور دکتر مصدق بود، ۵۰۰۰ دلار از بازار سیاه «خیابان منوچهری» اِبتیاع کرد و به من داد که خرج سفرمان باشد . »

آیا چنین دولتی ورشکسته نیست؟ آیا برداشتن این دولت ورشکسته و در شرف سقوط، احتیاجی به کودتا داشت؟

سخنی درباره مترجم

در زمان استبداد ناصری دعوایی بین صدراعظم و وزیر انتشارات وجود داشت و این کتاب که اینک در دسترس شما قرار دارد نتیجه‌ی همان دعوها است که جناب وزیرانتشارات هرچه خواسته به عنوان ترجمه‌ای از زبان فرانسه متوجه نخست وزیر کرده است ولی این دعوها هیچ گره‌ای از کار ملت ایران نگشود.



در متن داستان متوجه می‌شویم که مترجم نیش و کنایه‌های زیادی به طبقه حاکم که همان قاجاریان بودند زده است و در لباس پند و نصیحت آنها را مالش داده است. به هر تقدیر این کتاب مملو از پند و نصیحت و آموزش اخلاق می‌باشد و صرف نظر از اختلافاتی که بین صدراعظم و وزیر انتشارات وجود داشت این کتاب برای جوانان و نوجوانان مسائل بسیار آموزنده‌ای در بر دارد.

از جمله نموده‌های نمایان اختلاف وزیر و رئیسش داستانی است که از قول نخست‌وزیر لویی پانزدهم می‌آورد که هیچ ربطی به آنچه نویسنده‌ی فرانسوی نوشته ندارد و وزیر انتشارات در آن داستان سعی کرده است بی‌اهمیتی و نادانی صدراعظم ناصرالدین شاه را بدین صورت بر زبان بیاورد.

امیدوارم که جوانان درک معنا کنند و از مسائل زمان قاجار اندکی مطلع گردند.

آقای عمادالسلطنه در مقدمه ترجمه کتاب «به تربیت درآوردن دختر تندخوی» نوشته‌ی شکسپیر اظهار می‌دارد که: داستان سرگذشت یک خر نوشته‌ی کنتس سگور را من به فارسی ترجمه کرده‌ام.

خاندان سالور که از اولاد عمادالسلطنه هستند اظهار می‌دارند که اعتمادالسلطنه بی‌مورد آنها در بمبئی به نام خود چاپ کرده است. لذا، هنوز نام مترجم اصلی داستان، در پرده ابهام قرار دارد.